

فصلنامه علمی- تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی

شماره دهم، پاییز ۱۴۰۱، ص ۱۵۹-۱۸۰

راهکارهای خانوادگی کاهش دین‌گریزی در بین جوانان

مریم غفاری^۱

محمد مهدی کریمی نیا^۲

امین مرادی علیعربی^۳

محمد رضا سبزی^۴

عصمت الله فصیحی زاده^۵

چکیده

دین در زندگی انسان همچون برنامه ای است که انسان را به هدف غایی می‌رساند. از آنجا که میل به حقیقت جویی و حق طلبی در ذات بشر نهاده شده است، دین وظیفه نقشه راه برای رسیدن به این میل فطری را بر عهده دارد. لمس جهان طبیعت و رنگ و لعاب آن، انسان را از این میل فطری غافل می‌کند، تا در پی رسیدن به آن نباشد و گاهی شیطان چنان دنیا را در نظر انسان زیبا جلوه می‌دهد و تمتع تمام از آن را هدف اصلی انسان جا می‌زند که انسان از دین و دینداری گریزان می‌شود و آن را مانع رسیدن به لذات دنیا و عامل ناکامی‌های خود می‌داند. جوانان به دلیل داشتن آرزوهای طولانی، هیجانات جوانی، خامی و نا پختگی، غرور جوانی بیشتر در معرض این آسیب هستند. نویسنده در این مقاله به روش توصیفی- تحلیلی

۱. دارای مدرک سطح دو (کارشناسی)، رشته علوم حوزوی، مدرسه علمیه الزهراء (سلام الله علیها)، شهر کازرون، اشتغال به تحصیل سطح سه (کارشناسی ارشد)، رشته مشاوره خانواده با رویکرد اسلامی، مدرسه علمیه الزهراء (سلام الله علیها)، شهر کازرون، استان فارس، ایران، پژوهشگر و فعال فرهنگی، نویسنده مسؤول، ghafarim074@gmail.com

۲. دارای مدرک سطح چهار (دکتری)، رشته فقه و اصول، از حوزه علمیه قم؛ و مدرک دکتری رشته «قرآن و علوم»، گرایش «قرآن و حقوق»، از دانشگاه جامعه المصطفی (ص) العالمیه، قم، استان قم، ایران، استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، kariminia@quran.ac.ir

۳. دانش آموخته حوزه علمیه قم در سطح سه (کارشناسی ارشد)، رشته تفسیر و علوم قرآن، اشتغال به سطح چهار (دکتری)، رشته تفسیر و علوم قرآن، استاد دانشگاه معارف اسلامی، moradi.amin2016@gmail.com

۴. دانشجوی دکتری، رشته قرآن و مستشرقان، جامعه المصطفی (ص) العالمیه، قم، ایران، پژوهشگر و فعال فرهنگی، mohamadrezasabzi950@yahoo.com

۵. کارشناسی ارشد، رشته فقه و حقوق قضائی، دانشگاه بین المللی جامعه المصطفی (ص) العالمیه، طلبه، پژوهشگر و فعال فرهنگی، esmatullahfashizade@gmail.com

به این نتیجه رسیده است که خانواده با نهادینه کردن دین، معرفی صحیح دین، معرفی الگوی مناسب، نظارت بر دوستان و غیره می‌تواند مانع از دین‌گریزی جوانان شوند.

کلید واژه: دین، دین‌گریزی، جوان، خانواده، تعلیم و تربیت، آموزش و پرورش.

مقدمه

انسان در هنگام خلقت بر فطرت خداجو آفریده شده و خداوند او را خلیفه خود در زمین قرار داده است. پیامبران الهی برای رساندن دستورات و مقصود خداوند مبعوث شدند و دین به عنوان برنامه این آفرینش به پیامبران و به تبع آن انسان‌ها ابلاغ شد.

از همان ابتدای خلقت، ابلیس به عنوان نماد کفر در پی گمراهی نوع بشر بوده است و همه تلاش خود را در جهت تحقق آن به کار گرفته است. از همان آغازین روزهای خلقت انسان جدال بین حق و باطل شکل گرفت. آنچه خداوند در وجود انسان به ودیعه نهاده است، فطرتی است که حق و حقیقت را طلب می‌کند و در پی پیوستن به قدرت بی‌کران و پاکی است که موجودی برتر از او نیست. اگرچه خداوند ما را برای قرب خود برگزید و عطش و راه رسیدن به این قرب را در وجودمان به یادگار گذاشت، تا چراغ راه باشد و راه را گم نکنیم، اما گاهی ما انسان‌ها با دستان خود پرده غفلت بر این یادگار الهی می‌نهمیم و راهی را در پیش می‌گیریم گویی خدایی وجود ندارد!

شیطان با تمام قدرتش در پی این است که برنامه جامع خداوند برای رسیدن انسان به سعادت اخروی را مانع پیشرفت و رسیدن به آمال و خواسته‌های انسان معرفی کند و گاهی چنان موفق می‌شود که انسان اگر جایی رنگ و بویی از دین دید، می‌گریزد و حتی حاضر به شنیدن کلمه‌ای از آموزه‌های دینی نیست!

فرهنگ‌های بیگانه غربی که در حقیقت سپاه شیطان هستند، با رنگ و لعاب‌های مختلف جوانان پاک ما را به انحراف می‌کشانند و در دامن آلوده شیطان رها می‌کنند. در چنین وضعیتی وظیفه خانواده هاست تا از جوانان خود صیانت کنند و آن‌ها را به سمت نور دین و دینداری رهنمون شوند. با توجه تأثیر دین در عاقبت به خیری انسان، ضروری است عواملی که باعث روی گردانی جوانان از دین می‌شود، مورد بررسی قرار بگیرد، تا بتوان از تبعات جبران‌ناپذیر آن جلوگیری کرد.

در این باره تألیفاتی مانند عوامل دین‌گریز و گرایش جوانان به فرهنگ غرب نوشته محمد عباسی، انتظار بشر از دین نوشته جوادی آملی، راهکارهای جذب جوانان به دین علیرضا انصاری و مانند آن وجود دارد. در این مقاله به صورت مجزا به نقش خانواده در پیشگیری از دین‌گریزی جوانان اشاره شده است.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. دین

دین، واژه‌ای عربی است که در لغت به معنای اطاعت و جزاء آمده است.^۱ اما به لحاظ اصطلاحی تعریفی که همه بر آن اتفاق نظر داشته باشند وجود ندارد چون نگاه‌ها نسبت به این واژه متفاوت است. برخی دین را اعتراف به این حقیقت دانسته‌اند که کلیه موجودات، تجلیات نیرویی هستند که فراتر از علم و معرفت ماست.^۲ برخی دیگر دین را وضعی الهی دانسته‌اند که صاحبان خرد را به سوی رستگاری در این دنیا و حسن عاقبت در آخرت رهنمون می‌شود.^۳ اما بهترین تعریف برای دین این است: دین مجموعه‌ی عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی است که برای اداره فرد و جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها از طریق وحی و عقل در اختیار آن قرار دارد.^۴

۱-۲. جوان

واژه «جوان» در زبان فارسی به معنای هر چیزی است که عمر چندانی از آن نگذشته باشد؛ اعم از انسان، حیوان یا درختی که به میانه عمر طبیعی خود رسیده باشد.^۵ در فرهنگ عربی نیز دو تعبیر رایج در باره جوان وجود دارد. «فتی» از ریشه‌ی «فَتَى» و «فتوّ» به معنای طراوت و شادابی^۶ و «شاب» از ریشه «شَبَبَ» به معنای شکوفایی و برخورداری از حرارت است.^۷

۱-۳. دین‌گریزی

مطابق آموزه‌های اسلامی، دین فطری و دائمی است و هیچ‌کس نمی‌تواند به طور کامل با دین قطع رابطه کند. بنابراین، دین‌گریزی به معنای نفی مطلق دین نیست؛ زیرا بنابر آیات قرآن، مشرکان نیز در شمار دینداران هستند و از سرنوشت دین خود می‌هراسند.^۸

دین‌گریزی را می‌توان به معنای کم‌رنگ شدن ایمان و کم‌فروغ شدن چراغ دین در زندگی افراد دانست؛ چنان‌که یهودیان از خداپرستی فاصله گرفته و به گوساله‌پرستی روی آوردند.^۹ اگرچه دین‌گریزی به دین خاصی اختصاص ندارد، علت این امر

^۱ مصباح یزدی، اصول عقاید، ص ۱۱

^۲ هیک، فلسفه دین، ص ۲۲-۲۳

^۳ ناس، تاریخ جامع ادیان، ص ۸۱-۷۹

^۴ جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص ۲۷

^۵ معین، فرهنگ معین، ص ۱۲۴۹

^۶ راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۴۷۳

^۷ ابن فارس، مقاییس العه، ص ۶۲۵

^۸ کافرون: ۶؛ مؤمن: ۲۶؛ آل عمران: ۷۳

^۹ طه: ۸۸/۸۵

نیز در همه ادیان یکسان نیست. از این رو، دین مقوله‌ای است که هر کس خود را در عقیده بر آن صواب می‌داند و دیگران را بر خطا می‌پندارد. چنان که امام صادق (ع) می‌فرماید:

«ثَلَاثٌ خِلَالٍ يَقُولُ كُلُّ إِنْسَانٍ إِنَّهُ عَلَى صَوَابٍ مِنْهَا: دِينُهُ الَّذِي يَتَقَدُّهُ، وَ هَوَاهُ الَّذِي يَسْتَعْلِي عَلَيْهِ، وَ تَدْبِيرُهُ فِي أُمُورِهِ»^۱

سه چیز است که هر انسانی خود را در آن بر حق می‌داند: دینی که بدان عقیده دارد، خواهش‌هایی که بر او چیره است و تدبیر او در کارهایش»^۲.

در حقیقت دین‌گریزی تنها به معنای فرار از دین و نافرمانی از دستورهای الهی و نفی دین و خدا نیست؛ بلکه در بسیاری موارد به معنای دوری از دین و بی‌توجهی به آن است. در چنین حالتی گریز یا ستیز با دین، نشانه بیماری است و فردی که در چنین شرایطی است، در معرض بحرانهای بسیاری مانند: بحران‌های فکری، روحی، اجتماعی و حتی بی‌هویتی قرار می‌گیرد.

۲. پیشینه دین‌گریزی

دین‌گریزی موضوعی است که پیشینه آن به خلقت انسان بر می‌گردد. از زمانی که دین‌داری وجود داشته، دین‌گریزی نیز بوده است. انسان از اول زندگی اش بر روی زمین به خاطر فطرت و برای تأمین نیاز روحی و ارضای حس مذهبی خود به دین و دین‌داری گرایش داشته است، ولی در مقابل برخی نیز به دلایل گوناگون از آن گریزان بوده‌اند. از زمان پیدایش اولین دین، برخی از افراد دین را نپذیرفتند و برخی بعد از پذیرفتن، از آن روی گرداندند. این گریز و عوامل آن در گذشته بسیار انگشت‌شمار بود. تعداد دین‌گريزان در اقلیت و عوامل دین‌گریزی ناچیز بود، اما با توجه به تاریخ، کم‌کم دین‌گریزی رشد کرده و عوامل آن نیز چشمگیر هستند.

دین‌گریزی در قرآن نیز دارای پیشینه است. برای نمونه شماری از یهودیان از دین حضرت موسی (ع) می‌گریزند و گوساله پرست می‌شوند.^۳ یا اینکه برخی از اهل کتاب با علم به درستی آیات خدا کافر می‌شوند.^۴ دین‌حق را نمی‌پذیرند و اطاعت نمی‌کنند.^۵

۱ حرانی، تحف العقول، ص ۳۲۱

۲ حرانی، تحف العقول، ص ۳۲۱

۳ طه ۸۵/۸۸

۴ آل عمران ۷۰/

۵ توبه ۲۹

۳. ضرورت دین‌داری

دانشمندان و دین‌پژوهان، وجود دین و خداپرستی را برای همه انسانها و جوامع انسانی ضروری دانسته و دین‌داری را نیاز حیاتی بشر اعلام می‌دارند. نخستین دلیل ضرورت دین‌داری انسانها، همانا نیاز فطری و روحی بشر به دین و خداپرستی است. روانشناسان می‌گویند انسان‌ها بر اساس احساس مذهبی و یا به تعبیر «ویلیام جیمز» روانشناس مشهور آمریکایی احساسات مذهبی، که مجموعه‌ای از احساسات و عواطف ذاتی انسانها را در بر می‌گیرد، نیازمند عشق ورزی و عبادت خدا می‌باشند. در اهمیت دین‌داری و خداپرستی همین بس که روانشناسان و روانپزشکان به طور مکرر در مصاحبه با رسانه‌های گروهی اعلام می‌کنند ایمان مذهبی و دعا و راز و نیاز با خدا، یکی از بهترین و موثرترین راه‌های درمان بیماری‌های روحی و بلکه جسمی است.

دومین علت نیاز انسان به دین و ضرورت دین‌داری، نیاز به قوای جامع و مترقی است؛ زیرا قوانین دینی و الهی به ویژه قوانین اسلامی، برنامه کامل زندگی مادی و معنوی بوده و به جنبه‌های زندگی دنیوی و اخروی توجه نموده است. از این رو، در صورت پیروی کامل از دین و به اجرا گذاشتن همه قوانین و دستورهای دینی هم زندگی مادی و دنیوی انسان سامان‌درستی می‌یابد و هم زندگی معنوی و نیازهای روحی و فطری بشر تأمین می‌شود، ولی قوانین برآمده از عقل بشر و دور مانده از دین و قوانین دیه یا فرض‌درستی و علمی بودن، فقط توان سامان‌بخشی به زندگی مادی و رفاه زندگی دنیوی را دارد و توان برآوردن خواسته‌ها و نیازهای معنوی و روحی بشر را ندارد.

راز پیدایش بحران شدید روحی و اخلاقی در میان بشر متمدن غربی همین است که با اتکای به عقل صرف و قوانین برآمده از آن می‌خواهد به خوشبختی و رستگاری برسد؛ زیرا گرچه در زندگی ماشینی و رفاه زندگی پیشرفت کرده، ولی از جهات روحی و اخلاقی دچار انحطاط و بحران شدیدی شده است.

سومین علت نیاز به دین و ضرورت دین‌داری، نیاز به اخلاق و فضایل اخلاقی برای اصلاح روابط فردی و اجتماعی و ایجاد و ادامه یک زندگی سالم انسانی است. همه این آموزه‌های اخلاقی، به طور کامل و کاربردی در دین یافت می‌شود و عمدتاً توسط دین‌داران راستین قابل اجرا است. در صورت نبودن فضایل اخلاقی، زندگی از شکل انسانی خارج و درنده‌خویی و زورگویی و ستمگری جایگزین آن می‌شود.

این رفتار غیرانسانی که امروز از طرفداران دموکراسی غربی نسبت به ملل مظلوم و مستضعف دنیا مشاهده می‌شود؛ نتیجه عدم پایبندی به یک دین اصیل و آسمانی است.^۱

۴. اهمیت دین‌داری در بین جوانان

یکی از مهمترین و مؤثرترین عضو جامعه، جوانان هستند. دوران جوانی اقتضات خاص خود را دارد. جوانان به علت ناپختگی، کم‌تجربه‌گی، احساسات شدید و مشکلات بلوغ به طور طبیعی خطا پذیرند و این می‌تواند برای آن‌ها خطرات جدی بوجود بیاورد، تا آنجایی که ممکن است آن‌ها را به بیراهه بکشد و مرتکب فساد، فحشا و جرائم سنگین و جبران‌ناپذیر شوند. یکی از مهمترین کاربردهای باورهای دینی با توجه به همخوانی آن با فطرت و عقل این است که می‌تواند مانع پیشروی یک جامعه به سوی فساد و انحراف باشد و نقش مؤثری در تعدیل گرایش‌های مجرمانه و پیشگیری از وقوع جرائم ایفا کند.

تحقیقات زیر به بررسی رابطه دینداری با رفتارهای منحرفانه پرداخته‌اند. نتایج این تحقیقات نشان دهنده تأثیر دینداری افراد بر عدم انجام رفتارهای کجروانه آنان بوده است به گونه‌ای که افراد مؤمن و مقید پایبندی بیشتری به رعایت هنجارها و ارزش‌های جامعه خود داشته‌اند.

- دسموند و همکاران (۲۰۱۳م.) تحقیقی را با عنوان «مذهب، خودکنترلی و مصرف مواد» انجام داده‌اند. این مطالعه با استفاده از داده‌های طولی مربوط به سلامت جوانان، به دنبال بررسی همبستگی بین مذهب و خودکنترلی، تعیین تأثیر دینداری بر مصرف مواد از طریق متغیر میانگین خودکنترلی و نیز تعیین خودکنترلی بر مصرف مواد با توجه به دینداری جوانان بوده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد دینداری جوانان با سطوح بالایی از خودکنترلی آنها و مصرف مواد همراه است.
- وانگ و جانگ (۲۰۱۶م.) در تحقیق خود به این نتیجه دست یافتند که افراد مذهبی نسبت به افراد غیرمذهبی مصرف مواد و الکل کمتری دارند.
- سراج زاده و پویافر (۱۳۸۷ش.) در پژوهش خود «دین و نظم اجتماعی: بررسی رابطه دینداری با احساس آنومی و کجروی در میان نمونه‌ای از دانشجویان» به این نتیجه رسیدند که دو متغیر احساس آنومی و کجروی با دینداری کل رابطه معکوس معناداری دارند و نیز دینداری از طریق کاهش احساس آنومی در افراد نیز در کاهش بروز کجروی تأثیر دارد.
- طالبان (۱۳۸۷ش.)، در تحقیقی با عنوان «دینداری و بزهکاری» به بررسی ابعاد دینداری دانش‌آموزان پایه سوم دبیرستان‌های روزانه منطقه پنج تهران پرداخت. نتایج تحقیق نشان داد که افزایش دینداری، امکان وقوع بزهکاری را کاهش می‌دهد.^۱

بنابراین یکی از عواملی که در پیش‌گیری و یا کاهش جرم و کج‌روی اجتماعی افراد به خصوص جوانان، تأثیر بسزایی دارد، دین‌داری و ایمان به خداوند است. هنگامی که انسان دور از چشم‌آشنایان، همسایگان و دیگران است، نه قانون و نه افکار

۱ فیروزجاییان، جان محمدی لرگانی، مینایی، دین‌داری و بی‌نظمی تحلیل جامعه‌شناختی نقش بازدارنده دین‌داری در بی‌نظمی اجتماعی، ص ۲۹۳

عمومی و نه هیچ چیز اجتماعی دیگر، کارهای وی را کنترل نمی‌کند، بلکه در این حالت، کنترل کار در پرتو ایمان به قدرتی صورت می‌گیرد که در همه مکان‌ها و زمان‌ها شاهد انسان است و به رفتار پسندیده و نیک پاداش می‌دهد و بدی و گناه را مجازات می‌کند.

فریاد و رایزمن معتقدند، عواملی وجود دارند که انسان را به طور درونی از کارهای نامشروع و خلاف باز می‌دارند. یکی از مهم‌ترین این عوامل دین است. دین با ایجاد یک سامانه کنترل درونی قوی در انسان‌ها آنها را از انجام دادن کارهای خلاف و نامشروع باز می‌دارد و سبب می‌شود که انسان‌ها خود را از لحاظ درونی کنترل کنند. این، قوی‌ترین و مؤثرترین کنترل است.^۱

۵. راهکارهای جذب جوانان به دین

۵-۱. راهکار شناخت جوان به منظور دعوت به دین

یکی از راه‌های جذب جوان به دین، شناخت او و ویژگی‌هایش است. مشکل رهبری نسل جوان، نفهمیدن زبان، منطق، احساسات ویژه و خواسته‌های واقعی آنان است. دوره جوانی دوره‌ای است که برای جوان پر از خطر است؛ چون هم جوان بی‌تجربه است و هم دارای احساسات شدید و خطا پذیر است. از طرفی، روحیه استقلال طلبی، زمینه چالش‌ها و تضادهایی را میان آنان و بزرگ‌ترها به وجود می‌آورد. از این رو، هم نحوه برخورد با جوانان بسیار ظریف و حساس است و هم برای رهبری آنان، نیازمند شناخت دقیق از روحیاتشان می‌باشیم.

بعضی افراد بدون توجه کافی به واقعیات دوران جوانی و مشکلات ویژه آنان، واکنش تندی از خود نشان می‌دهند و چه بسا یک برخورد نسنجیده، برای همیشه جوان را از ورود به مسائل دینی برحذر دارد و همین باعث شود شبیهات خود را در دلش نگه دارد و سال‌ها با آن درگیر باشد. شهید مطهری نیز برای آموزش دینی جوانان به ضرورت شناخت آنان تأکید می‌نماید: «ابتدا باید نسل جوان را بشناسیم. نسل جوان، مزایا و عیب‌هایی دارد، زیرا این نسل یک نوع ادراکات و احساسات دارد که در گذشته نبود، از این جهت باید به او حق داد. در عین حال یک انحرافات فکری و اخلاقی نیز دارد و باید آن‌ها را شناخت و چاره کرد».^۲

۱ رفیع پور، آناتومی جامعه، ص ۳۸

۲ انصاری، راهکارهای جذب جوانان به دین، صفحه ۴

۵-۲. پاسخ به شبهات و پرسش‌های بنیادین جوانان، راهکاری برای جذب

به طور کلی جوانان، ذهن خلاق و جست‌جوگری دارند و همواره به دنبال کشف حقیقت و حل مسائل و پاسخ‌گویی به شبهات خویش‌اند. جوان با ده‌ها سؤال از جمله این که «من کیستم و از کجا آمده‌ام و به کجا می‌روم»، رو به رو است که برای این سؤال‌ها باید جواب قانع‌کننده‌ای به آن‌ها ارائه داد.

علاوه بر آن، امروز شبهه‌افکنی - در حوزه فرهنگ دینی - یکی از بارزترین جلوه‌های تهاجم فرهنگی در عرصه تربیت اسلامی است. در عصر حاضر دشمنان با بهره‌گیری از همه ابزارها مانند ماهواره و اینترنت، مبانی دینی جوانان را نشانه گرفته و سنگرهای عقیدتی را فتح کرده‌اند. ما باید قبل از این که دشمن شبهه ایجاد کند، شبهه‌شناسی و سپس شبهه‌زدایی نماییم و هیچ‌گاه حالت دفاعی نداشته باشیم. البته این شبهات، گذرگاه خوبی هستند، اما عدم پاسخ‌گویی به آن‌ها یا در نظر نگرفتن روحیه جوانان در هنگام پاسخ‌گویی، موجب تزلزل در باورهای دینی آنان می‌گردد و پایه‌های تربیت دینی را سست می‌گرداند. جوان اگر احساس کند کسی هست که درد دلش را می‌شنود و پاسخ‌گوی سؤالات اوست، امیدوار می‌شود.

استاد مطهری می‌گوید: «ما امروز از این نسل گله داریم که چرا با قرآن آشنا نیست، چرا در مدرسه‌ها قرآن یاد نمی‌گیرند، حتی به دانشگاه هم که می‌روند از خواندن قرآن عاجزند. البته جای تأسف است که این طور است، اما باید از خودمان بپرسییم ما تاکنون چه اقدامی در این راه کرده‌ایم؟ آیا با همین فقه و شرعیات و قرآن که در مدارس است توقع داریم نسل جوان با قرآن آشنایی کامل داشته باشد؟»^۱

۵-۳. جلب اعتماد و احترام به عقاید جوان، راهکاری برای جذب

آموزش مسائل دینی در صورتی مفید است که اعتماد جوان جلب شود. بدون جلب اعتماد نمی‌توان در جوان نفوذ کرد، از این رو امام علی (ع) می‌فرماید:

«دل‌های مردم وحشی است، پس هر کسی بتواند با آن‌ها الفت برقرار کند، به او روی خواهند آورد»^۲.

برای این کار باید به جوان شخصیت داد و از به کار بردن الفاظ تحقیرآمیز خودداری کرد. هم‌چنین یکی از خواست‌های طبیعی جوانان این است که مانند بزرگسالان به عقایدشان احترام گذاشته شود. گاهی جوان بر عقیده خود پافشاری می‌کند، چون آن را حق می‌داند. گرچه از دید مربیان و معلمان، آن نظریه باطل است. اما باید توجه داشت که توهین کردن به عقیده و نظر او توهین به همه وجودشان خواهد بود و همین ممکن است جوان را از عقایدی که در واقع حق است دور کند. از این

۱ مطهری، ده گفتار، ص ۱۸۹

۲ نهج البلاغه، قصار ۴۷

رو اسلام به مسلمانان دستور می‌دهد که به عقاید همگان احترام بگذارند و حتی از توهین کردن به بت پرست‌ها خودداری کنند.

۴-۵. بیان فلسفه احکام راهکاری برای جذب جوانان

علی‌رغم این که جوانان زمینه‌گرایش به امور مذهبی و دین را دارند، لکن روح جست و جوگری نیز دارند. از این رو، مطالبی را بهتر قبول می‌کنند که کاربردی و توأم با استدلال باشد؛ بدین منظور که مسائل دینی در کنار مسائل علمی و به صورت تطبیقی بیان شود. از این رو لازم است تا آن جا که امکان دارد فلسفه و حکمت احکام و تعالیم دینی تبیین شود تا جوان ضمن قبول آموزه‌های دینی، با آگاهی، بینش، بصیرت و با انگیزه قوی تر به تعالیم دین روی آورند. این امر می‌تواند که مریبان و روحانیان با مطالعات گسترده به بیان آموزه‌ها و تعلیمات دین پردازند.

۵-۵. بیان اهداف دین و نقش آن در زندگی، راهکاری برای جذب جوانان

یکی دیگر از راه‌های جذب جوان به دین بیان اهداف دین است. در تربیت دینی جوانان باید به این اصل مهم توجه داشت که دین، نیاز به تبیین و میزان تأثیرگذاری آن در زندگی جوان دارد. از این رو، پیش از آن که بگوییم دین اسلام جامع‌ترین، کامل‌ترین و نیکوترین دین هاست، باید بگوییم دین اسلام چیست و اهداف آن کدام است؟ این دین است که به بایدها و نبایدهای انسان جواب می‌دهد، جهان و انسان را هدف می‌داند و نقشی اساسی در زندگی مادی و معنوی انسان دارد؟ اگر حقیقت دین و نقش آن در زندگی و خوش‌بختی انسان و اصلاح معاش و مانند آن، به درستی تبیین گردد، فطرت دین‌گرا و خداجویی جوانان آن را به راحتی می‌پذیرند.

۶. عوامل دین‌گریزی

عوامل بسیاری در دین‌گریزی موثرند که ما به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

۱-۶. نقش محیط در دین‌گریزی جوانان

نقش محیط در ارتباط با گرایش مردم به دین و دین‌داری و یا روی گردانی آنان از دین انکارناشدنی است. مردم تابع محیطی هستند که در آن زندگی می‌کنند. نشانگر این تأثیر و تأثر، پیدایش و رشد دین‌گریزی در برخی محیط‌ها و کاهش آن در دیگر محیط‌ها است. شماری از آنها اگر در محیط‌های متفاوتی قرار گیرند، در شمار دین‌گريزان قرار نمی‌گیرند. چنان که محیط ناسالم در این دین‌گریزی تأثیرگذار است، در برتافتن دین نیز بسیار نقش آفرین است. برای نمونه در برخی از آیات، وابستگی به باورها و عادات پیشینیان عامل اصلی نپذیرفتن دین شمرده شده است.

در تعدادی از این آیات، نقش محیط در گریز از رفتارها و مناسک مطلوب دین دیده می‌شود. کافران که در محیط فرهنگی و اجتماعی خاصی زیسته‌اند و آداب و رسوم خاصی یافته‌اند در برابر فراخوان پیامبران از باورها و عادت‌های پیشینیان خود سخن می‌گویند:

«وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْلَوْا كَانُوا آبَاءَهُمْ لَّا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَ لَّا يَهْتَدُونَ»^۱

وهنگامی که به آنها (مشرکان) گفته شود: آنچه را خدا نازل کرده است پیروی کنید، گویند: بلکه ما از آنچه پدران خود را بر آن یافتیم پیروی می‌نماییم. آیا (از آنان پیروی می‌کنند) هرچند پدرانشان چیزی نمی‌فهمیدند و هدایت نیافته بودند؟».

«وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَىٰ الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْلَوْا كَانُوا آبَاءَهُمْ لَّا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَ لَّا يَهْتَدُونَ»^۲

و هرگاه به آنان گفته شود: به سوی آنچه خداوند نازل کرده و به سوی پیامبر بیایید، گویند: آنچه پدرانمان را بر آن یافتیم، ما را بس است. آیا هر چند پدرانشان چیزی نمی‌دانستند و (به حق) هدایت نشده بودند (و بیراهه می‌رفتند، باید راه آنان را ادامه دهند؟)».

«وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ اتَّقُوا اللَّهَ مَا لَتَعْلَمُونَ»^۳

و هرگاه کار زشتی کنند، (در توجیه آن) گویند: ما پدران خود را بر این کار یافتیم و خداوند ما را به آن دستور داده است. بگو: خداوند هرگز به کارهای زشت فرمان نمی‌دهد. آیا چیزی را که نمی‌دانید به خدا نسبت می‌دهید؟!».

آیات فوق، از تأثیر محیط بر رفتارها می‌گویند.

در دسته‌ای دیگر از آیات، تأثیر محیط بر گریز از باورها و عقاید دینی آمده است:

«قَالُوا أَجِئْنَا لِنُلْفِتَنَّا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا وَ تَكُونُ لَكُمْ أَلْكِبْرِيَاءُ فِي الْأَرْضِ وَ مَا نَحْنُ لَكُمْ بِمُؤْمِنِينَ»^۴

گفتند: (ای موسی!) آیا آمده‌ای تا ما را از راهی که پدرانمان را بر آن یافتیم، برگردانی تا بزرگی و حکومت در زمین برای شما دو نفر (موسی و هارون) باشد؟ و (لی) ما به شما دو نفر ایمان آور نیستیم».

۱. بقره: ۱۷۰.

۲. مائده/۱۰۴

۳. اعراف/۲۸

۴. یونس/۷۸

«فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأُولِينَ»^۱

پس اشراف قوم او که کافر شدند، گفتند: این نوح جز انسانی همانند شما نیست، او می‌خواهد بر شما برتری جوید، اگر خداوند می‌خواست (برای ما پیامبری بفرستد) قطعاً فرشتگانی می‌فرستاد. ما این (دعوت نوح) را در میان (تاریخ) پدران قبلی خود نشنیده‌ایم.»

۲-۶. نقش دوستان ناباب و نامناسب در دین‌گریزی

یکی از عوامل دیگر دین‌گریزی، دوستان نامناسب هستند. از مهم‌ترین مسائلی که در زندگی جوان و دوران جوانی مطرح است دوست‌یابی و گرایش به دوستی و رفاقت است. افراد تحت تأثیر دوست خود قرار می‌گیرند و بر آن اساس شخصیتشان شکل می‌گیرد؛ چنان‌که پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«الرَّجُلُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ، فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ مَنْ يُخَالِلُ»^۲

انسان بر دین دوستش خواهد بود، بنابراین هر یک از شما دقت کند با چه کسی دوست می‌شود.»

قوم موسی بیشتر تحت تأثیر سامری قرار گرفتند و از دین موسی گریختند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

«قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ»^۳

(خداوند) فرمود: همانا ما قوم تو را بعد از (آمدن) تو آزمایش کردیم و سامری آنها را گمراه کرد.»

دوستان علاوه بر اینکه در دین‌گریزی دین‌داران سهم دارند، در این‌ها که آن‌ها دین‌حق را نپذیرند، هم نقش دارند. برای نمونه فرزند حضرت نوح (ع) تحت تأثیر محیط و دوستان از دین گریخت و از شمار خاندان و نجات یافتگان بیرون رفت.

«قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ»^۴

(خداوند در پاسخ) فرمود: ای نوح! او (در واقع) از خاندان تو (و نبوت) نیست، او (دارای) عمل ناشایستی است، پس چیزی را که به آن علم نداری از من نخواه، همانا من تو را موعظه می‌کنم که (مبادا) از جاهلان باشی.»

۱ مؤمنون/ ۲۴

۲ بحار الانوار، ۷۴، ۱۷۹

۳ طه/ ۸۵-۸۸

۴ هود/ ۴۶

شماری از کافران با الگوگیری از بزرگان خود به دین‌گریزی کشانده شدند:

«اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَ رُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ»^۱

(اهل کتاب)، دانشمندان و راهبان خود و مسیح فرزند مریم را به جای خداوند به خدائی گرفتند، در حالی که دستور نداشتند جز خدای یکتا را که معبودی جز او نیست بپرستند. خداوند از هر چه برای او شریک می‌پندارند، منزّه است.»

«وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَ كُبْرَاءَنَا فَأَصْلُونَا السَّبِيلًا»^۲

و گویند: پروردگارا! همانا ما سران و بزرگانمان را اطاعت کردیم، پس آنان ما را از راه به در بردند.»

بنابراین انسان باید بداند با چه کسی دوستی می‌کند و از چه کسی تأثیر می‌پذیرد؛ چون همنشینی با دوستان ناباب، باعث شر است و دین و دنیای انسان را تباه می‌کند. حال آن که ممکن است فرد هیچ فرصتی برای جبران پیدا نکند و با همان دوست محشور شود. برخی دوزخیان در صحرای محشر می‌گویند:

«يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا»^۳

ای وای بر من! کاش فلانی را دوست خود نمی‌گرفتم.»

۳-۶. نقش فشار و خشونت در دین‌گریزی جوانان

یکی از عوامل مهم دین‌گریزی جوانان، اجبار و اکراه بر انجام برخی از رفتارها و کردارهاست. اجبار، خشونت و سخت‌گیری پیامدهای بسیار ناگواری دارد که لجبازی، پنهان‌کاری، دروغ و انتقام، تنها بخشی از نتایج سوء این عامل هستند.^۴ خشونت دیدگان بیشتر از دیگران دگرآزاری می‌کنند، بیشتر انتقام می‌گیرند و با رغبت بیشتری هنجار شکنی می‌کنند.^۵

۱ توبه ۳۱/

۲ احزاب ۶۷/

۳ فرقان ۲۸/

۴ آیزنبرگ، رفتارهای اجتماعی کودکان، ص ۱۱۱

۵ همان، ص ۱۵۲

گری گوری می‌گوید: کتک خورده‌ها در آینده یا افرادی بی‌اراده و شل و ول بار می‌آیند و یا آدم‌های قلدری که با نگاه به گذشته در پی انتقام‌گیری هستند.^۱ جامعه‌شناسان نیز اجبار و لزوم نهفته در هنجارهای آتی را زمینه‌ساز ناسازگاری و هنجارشکنی عده‌ای می‌دانند.^۲

در واقع خشونت‌هایی که به نام دین انجام می‌گیرد و الزام‌هایی که در جهت دین‌آوری صورت می‌پذیرد، گروهی را در صف دین‌گریزان آورده است و در نگاه ایشان تصویر دین، تصویری خشن و همراه با فشار، تهدید و ارباب‌مردی است. بسیاری از افراد در دوران نوجوانی و جوانی، تهدید و گناه‌تنبیه‌والدین به انجام فرائض و ترک برخی رفتارها را شاهد بوده‌اند، و در محیط تحصیلی کاستن از نمره انضباط، تحقیر و تهدید را تحمل کرده و به اجبار در نماز جماعت و دیگر مراسم دینی شرکت کرده‌اند، و سپس در محیط کار و فعالیت به نام دین، بست و بندهای بسیار را تجربه می‌کنند.

در نظرگاه قرآن نیز مهربانی، خویشتن‌داری و آسان‌گیری بر مردم، عامل جذب آنان، و سخت‌گیری و فشار، عامل گریز از دین معرفی شده است:

«فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ»^۳

(ای رسول ما!) پس به خاطر رحمتی از جانب خدا (که شامل حال تو شده)، با مردم مهربان گشته‌ای و اگر خشن و سنگدل بودی، (مردم) از دور تو پراکنده می‌شدند. پس از (تقصیر) آنان درگذر و برای آنها طلب آمرزش کن.

با این نگاه، قرآن از پیامبران، نرم‌گویی با سردمداران کفر و فساد را می‌طلبد و ایشان را از درشت‌گویی باز می‌دارد: «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيْنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى»^۴

پس به نرمی با او سخن بگوئید، شاید متذکر شود، یا (از خدا) بترسد.

و احکام را به گونه‌ای تشریح می‌کند که دینداران در سختی گرفتار نیایند:

«لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»^۵

خداوند هیچ‌کس را جز به اندازه توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند.

۱ گری گوری، روان‌شناسی نوجوانان و جوانان، ص ۲۶۳

۲ فرجاد، آسیب‌شناسی اجتماعی، ص ۱۴

۳ آل عمران / ۱۵۹

۴ طه / ۴۴

۵ بقره / ۲۸۶

۶-۴. نقش مسئولیت‌گریزی در دین‌گریزی جوانان

یکی از عوامل گریز از دین در جوانان، فرار از مسئولیت و تکلیف است؛ یعنی فرد تمایل دارد آزاد باشد و هر گناهی را انجام دهد، اما ایمان و اعتقاد به خدا و قیامت سد عظیمی در مقابل هرگونه گناه است. او می‌خواهد این سد را در هم بشکند و آزادانه، هر عملی را انجام دهد. این امر منحصر به زمان‌های گذشته نیست. امروز هم یکی از علل گرایش به مادی‌گری و انکار مبدأ و معاد، احساس آزادی عمل در گناه و گریز از مسئولیت‌ها و شکستن قانون الهی است؛ بنابراین میل به بی‌بندوباری، راحت‌طلبی و آزادی بی‌قید و شرط یکی از عواملی است که انسانها را از دینداری دور ساخته و گاه حتی به الحاد می‌کشاند. انسان، موجودی مسئولیت‌پذیر است و نمی‌تواند در برابر خالق، خود، جامعه، دین و غیره بی‌تفاوت باشد. لازمه مسئولیت‌پذیری نیز پذیرش قید و بند و انجام دادن دستورهای دینی و تقید به بایدها و نبایدهاست.

قرآن این حقیقت را چنین بیان می‌کند:

«بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ»^۱

ولی انسان می‌خواهد راه فسق و فجور را پیش روی خود باز کند. (لذا از روی تردید) می‌پرسد: روز قیامت چه وقت است؟». اسلام برای انسان‌ها آزادی مشروط قائل است؛ آزادی‌ای که مصالح مسلمانان را بر هم نزند و آزادی دیگران را خدشه‌دار نسازد. رسول خدا صلوات الله علیه فرموده است:

«خداوند از روی جبر پرستش نمی‌شود»^۲.

اما افراد گنهکار و بدکار از آزادی سوءاستفاده کرده و آن را بدون پذیرش شرایط خواهانند.

نتیجه این بینش غلط، فرار از دین و گناه‌انکار آن می‌شود؛ زیرا دین، آزادی را به دلیل عقلی محدود ساخته است. قرآن این هوس رانی و دین‌گریزی را ناشی از کردار زشت و آلودگی به گناه می‌داند.

«ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوْأَىٰ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ»^۳

سپس عاقبت کسانی که کارهای بد مرتکب شدند، این شد که آیات خدا را تکذیب کردند و همواره آن را به مسخره می‌گرفتند».

۶-۵. نقش فقر در دین‌گریزی جوانان

۱ قیامت: ۵ و ۶

۲ مجلسی، بحارالأنوار، ص ۱۴۰

۳ روم: ۱۰

یکی از عوامل دین‌گریزی، فقر است. چه بسا بتوان فقر را از پلیدترین پدیده‌های جامعه به شمار آورد. بی تردید بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی همچون سرقت، ولگردی، خودفروشی و اعتیاد به علت تنگدستی و فقر به وجود می‌آید. نگاهی گذرا به بزهکاران و ساکنان ندامتگاه‌ها ما را به این حقیقت دردآور رهنمون می‌نماید که شمار بسیاری از آنان در اثر تهیدستی، پای در این راه شوم و بدفرجام نهاده‌اند.^۱

فقر در هر جامعه‌ای که چهره‌گریه خود را به نمایش بگذارد، مانند سیلی بنیان‌کن زیر بنای تمامی ارزشهای انسانی را ویران می‌سازد؛ از این رو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم عرضه داشت:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ وَ عَذَابِ الْقَبْرِ»^۲

خداوند! به تو پناه می‌برم از کفر، فقر و عذاب قبر».

همچنین حضرت فرمود:

«أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْكُفْرِ وَالْدَيْنِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيْعِدُ الدِّينُ بِالْكَفْرِ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَعَمْ»^۳

به خدا پناه می‌برم از کفر و بدهی. گفته شد: ای رسول خدا! آیا قرض را با کفر برابر می‌دانی؟ فرمود: آری».

امام علی علیه السلام نیز به فرزندش محمد بن حنفیه می‌فرماید:

«يَا بُنَيَّ، إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ الْفَقْرَ، فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنْهُ فَإِنَّ الْفَقْرَ مَنْقَصَةٌ لِلدِّينِ، مَدْهَشَةٌ لِلْعَقْلِ، دَاعِيَةٌ لِلْمَقْتِ»^۴

از تهیدستی و تنگدستی بر تو هراسنا کم، از فقر به خدا پناه ببر که دین انسان را ناقص و عقل را سرگردان می‌کند و عامل دشمنی است».

و همچنین می‌فرماید:

«يَا بُنَيَّ، مَنْ ابْتُلِيَ بِالْفَقْرِ فَقَدْ ابْتُلِيَ بِأَرْبَعِ خِصَالٍ: بِالضَّعْفِ فِي يَقِينِهِ، وَ النُّقْصَانِ فِي عَقْلِهِ، وَ الرِّقَّةِ فِي دِينِهِ، وَ قِلَّةِ الْحَيَاءِ فِي وَجْهِهِ، فَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنَ الْفَقْرِ»^۵

۱ عباسی، عوامل دین‌گریزی و گرایش جوانان به فرهنگ غرب، ۱۱۶

۲ کلینی، الکافی، ص ۴۰۳

۳ صدوق، الخصال، ص ۵۲۸

۴ سید الرضی، نهج البلاغه، ص ۵۳۱

۵ مجلسی، بحار الانوار، ص ۴۷-۴۸

هر کس به فقر مبتلا شود، به چهار خصلت مبتلا شده است: به سستی در یقین، کاستی در عقل و خرد، ضعف در دین و کم‌حیایی در چهره اش؛ پس، از فقر به خدا پناه می‌بریم».

امام علی علیه السلام در بیان دیگری می‌فرماید:

«الْفَقْرُ طَرْفٌ مِنَ الْكُفْرِ»^۱

فقر در کنار کفر است».

از مجموع روایات یاد شده، این نکته به خوبی به دست می‌آید که فقر، ناداری و کمبود، ارتباط و پیوند مؤثری با دین و دین‌داری آدمی دارد و موجب تضعیف باورهای دینی و اعتقادی و بروز سستی در انجام تعهدات و تکالیف الهی می‌گردد، در بیشتر موارد نمی‌گذارد که شخص معتقد، در عمل نیز معتقد بماند و در انجام دادن واجبات و وظایف گوناگون شرعی خویش، کوشا، دقیق و مواظب باشد و برای انجام دادن و ادای شایسته و صحیح آنها، فرصت و توان کافی یابد.

۷. راهکارهای خانوادگی کاهش دین‌گریزی جوانان

خانواده یکی از مهم‌ترین ارکان جامعه است و در فاسد شدن یک جامعه تأثیر بسیاری دارد. محیط خانواده مسئولیت عمده‌ای در تعلیم و تربیت بر عهده دارند و این مسئولیت‌ها با ورود یک نسل به دوره‌ی جوانی پررنگ‌تر می‌گردد. جهت برخورداری از نسلی پاک و دین‌دار راهکارهای زیادی وجود دارد که برخی از آن‌ها خانوادگی است و در محیط خانواده باید اجرا شود:

۷-۱. نهادینه کردن دین در خانواده

خانواده به عنوان نخستین کانون تعلیم و تربیت، نقش عمده‌ای در برقراری ارتباط جوان با دین دارد. ستون فقرات دین‌مداری، در خانواده شکل می‌گیرد، رفتار و گفتار اعضای خانواده، مؤثرترین عامل‌گرایش جوانان به دین است. بیش‌تر جوانانی که دین خود را حفظ نموده‌اند، خانواده دین‌دار داشته‌اند؛ در حالی که برخی از جوان‌های دین‌گریز، خانواده‌های دین‌گریز داشته‌اند.

متأسفانه در برخی خانواده‌ها بی‌توجهی به دین به صورت یک عادت در آمده و در طول سال سخنی از مسائل دینی به میان نمی‌آید و انجام فرایض دینی دیده نمی‌شود. طبیعی است در چنین فضایی بی‌اعتنایی به دین عادت می‌شود، حتی این امر در جامعه نیز ظهور می‌نماید، زیرا بسیاری از کارهای ناپسند تا در خانواده به صورت عادت در نیاید در اجتماع انجام نمی‌گیرد.

امام علی(ع) یکی از روش‌های تربیتی را عادت می‌داند و از آن به طبیعت دوم یاد می‌کند:

«عَوَّدُ نَفْسَكَ فِعْلَ الْمَكَارِمِ، وَ تَحَمَّلْ أَعْيَاءَ الْمَغَارِمِ، تَشْرُفْ نَفْسَكَ، وَ تَعَمَّرْ آخِرَتَكَ، وَ يَكْثُرْ حَامِدُوكَ»^۱

نفس خود را به امور نیک عادت دهید تا شرافت یابید و آخرت خود را آباد کنید و ستایش کنندگان را افزایش دهید».

از این رو اسلام سفارش می‌کند فرزندان را از کودکی به نماز و روزه عادت دهید تا تقید به فرایض در بزرگ سالی بر آنان دشوار نگردد.^۲

استاد مطهری می‌گوید: این خود یک غفلت و اشتباه بزرگی است که امروز در اجتماع ما که برای گفتن و نوشتن و خطابه و مقاله بیش از اندازه ارزش قائلیم و بیش از اندازه انتظار داریم. در حقیقت از زبان، اعجاز می‌خواهیم.^۳

ولی فرزندان ما بیش از آن که به گفتار ما نظر افکنند اعمال ما را زیر نظر می‌گیرند که گفته اند: بچه‌های ما آن گونه می‌شوند که ما هستیم، نه آن گونه که، می‌خواهیم.^۴

دکتر کارل می‌گوید: «از هم اکنون باید مسئله احیای تعلیمات عمومی را مورد نظر قرار داد. دبستان‌ها، دبیرستان‌ها و دانشکده‌ها نتوانسته‌اند مردان و زنانی تربیت کنند که به خوبی از عهده رهبری صحیح زندگی برآیند. تمدن غرب به سوی انحطاط گراییده، زیرا نه مدرسه و نه خانواده، موفق به تربیت مردمی واقعاً متمدّن نشده است».^۵

گرچه «کارل» از تعلیم و تربیت عمومی سخن می‌گوید، ولی تعلیم دین‌داری نیز از این کلیت مستثنا نیست. بنابراین برای داشتن فرزندی دین‌دار ابتدا باید خود والدین به دین پایبند باشند تا این گونه جوانان به دین گرایش پیدا کنند.

۲-۷. نظارت بر دوستان توسط والدین

انسان موجودی اجتماعی است و نیاز دارد با مردم زندگی و با آنان رابطه برقرار نماید؛ از این رو انتخاب دوست از بایستگی زندگی اجتماعی است و از طرف دیگر انسان تحت تأثیر دوست خود است و مانند او عمل می‌کند، اما اگر دوست شایسته باشد می‌تواند یکی از سرمایه‌های بزرگ زندگی و از عوامل خوشبختی و سعادت بشر باشد. پس نمی‌توان فرد را از داشتن دوست محروم کرد، چون ممکن است بر او تأثیر بد بگذارد، اما والدین می‌توانند با آگاه‌سازی فرزندان در رابطه با ویژگی دوستان خوب آن‌ها را راهنمایی کنند تا بتوانند دوستان بهتری داشته باشند؛ همان‌طور که اولیای گرامی اسلام پیروان خود را در انتخاب رفیق عاقل و با ایمان تشویق کرده و پیامدهای ارزنده چنین دوستی‌ای را خاطر نشان ساخته‌اند.

۱ غررالحکم و دررالکلم، ص ۳۲۹

۲ حر عاملی، وسائل الشیعه، ص ۱۶۸

۳ مطهری، ده گفتار، ص ۶۷

۴ انصاری، راهکارهای جذب جوانان به دین، ص ۶

۵ فلسفی، جوان از نظر عقل و احساسات، ص ۲۷۵

امام علی سلام الله علیه می‌فرماید:

«علیکم بالإخوانی فإنهم غدهُ الدنیا و غدهُ الآخرة»^۱

پیوند دوستی خود با برادرانتان را محکم کنید که آنها ذخایر و پشتیبان شما در دنیا و آخرت هستند».

بر این اساس دوست‌یابی یکی از اموری است که در آموزه‌های دینی بسیار مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. البته این برقراری روابط باید به گونه‌ای باشد که دوست، انسان را در تحقق اهداف یاری کند؛ زیرا در غیر این صورت، برقراری رابطه با دوستان ناباب، انسان را از اهداف خود دور ساخته و موجب بدبختی وی می‌شوند. بنابراین والدین می‌توانند با نظارت بر دوستان فرزند خود به آن‌ها در زمینه دین‌داری کمک کنند.

۳-۷. معرفی الگوی مناسب به جوان توسط خانواده

انسان فطرتاً موجودی است ست که دوست دارد بر اساس یک الگوی مشخص و مورد علاقه حرکت کند. می‌بینیم که مردم امروزه به خاطر الگوهای مورد علاقه‌ای که در سریال‌ها و فیلم‌های خانگی وجود دارد، جذب این موارد شده‌اند و حتی از الگوهای مطرح در این فیلم‌ها و سریال‌ها الهام می‌گیرند و سبک زندگی خود را تحت تأثیر این الگوها قرار می‌دهند در آموزه‌های دینی نیز تأکید زیادی بر الگوسازی و الگوگیری شده است؛ یعنی اگر یک جوان در محیط خانواده الگوی مناسبی بیابد یا برای او ایجاد بشود، او می‌تواند سبک زندگی دینی را فرا بگیرد. خداوند متعال می‌فرماید:

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا»^۲

یقیناً برای شما در روش و رفتار پیامبر خدا الگوی نیکویی است، برای کسی که همواره به خدا و روز قیامت امید دارد، و خدا را بسیار یاد می‌کند».

خداوند در این آیه می‌آموزد که وجود یک الگوی مناسب و دینی ما را بیش از پیش به سمت دین به عمل به آن سوق می‌دهد و قطعاً دین‌گریزی را کاهش می‌دهد. پس خانواده با ایجاد این زمینه و تعیین الگوهای مناسب در محیط خانواده می‌تواند باعث کاهش دین‌گریزی جوانان بشود.

۴-۷. معرفی درست و جذاب دین به جوانان

طبق آموزه‌های دینی این نکته را در می‌یابیم، انسان دشمن نا دانستی‌های خودش است. یعنی اگر انسان یک مسئله را خوب نشناسد و نفهمد نمی‌تواند به آن عشق ورزد و در مسیر آن حرکت کند، دین هم از این مقوله جدا نیست. اگر خانواده

۱ طبرسی، مشکاه الانوار، ص ۱۸۷

۲ احزاب/ ۲۱

تواند زیبایی‌های واقعی دین را در قالب‌های گوناگون به جوان بشناسد، این جوان نمی‌تواند جذب به دین شود و به آن عمل کند. ضرب‌المثل معروفی هست که می‌گوید: بدترین ضربه به فرد بد دفاع کردن از اوست؛ یعنی اگر خانواده حتی اقدام به معرفی دین کند، اما این معرفی را بد و در قالب‌های نامناسب بیان کند، باعث ضربه به دین باوری جوان می‌شود و این جوان از دین‌گریزان می‌شود. در مواردی که خانواده نتواند شبهات و اشکالات ظاهری دین را برای جوان تبیین کند، نباید خودسرانه اقدام به توجیه و تعریف بدون دلیل از دین کند. خانواده می‌تواند در این موارد از کارشناسان و متخصصان مربوطه بهره‌گیرد و جوان را با منطق و دلیل با دین آشنا کند.

۵-۷. نقش رفتار عملی والدین در هدایت جوان

یکی از آموزه‌های مهم دینی این است که انسان باید به غیر زبانش دین و خوبیها را تبلیغ کند. امام صادق علیه السلام:

«كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ اَلْوَرَعَ وَ اَلْاِحْتِهَادَ وَ اَلصَّلَاةَ وَ اَلْخَيْرَ فَاِنَّ ذَالِكَ دَاعِيَةٌ»^۱

با غیرزبان مردم را به دین دعوت کنید، آنها باید ورع و پارسائی و تلاش و نماز و کار خیر شما را ببینند، زیرا اینها خود دعوت‌کننده باشند».

یعنی تأثیر عمل و رفتار بر جذب جوانان به دین بسیار فراتر از از زبان و بیان است. یک جوان نباید در محیط خانواده بین اعتقادات والدین و رفتارهای آنها تناقض و ناهمگونی ببیند، زیرا این تناقض و ناهمگونی باعث سلب اعتماد جوان از آنان می‌شود و نمی‌تواند موعظه‌ها و صحبت‌های والدین را قبول کند و عملی سازد. آن چیزی که انسان را به عمل وادار می‌کند، گرایش و علاقه او به آن کار است و این گرایش یکی از ابعاد سه‌گانه در وجود انسان است. جوان زمانی بیشترین تأثیر را می‌پذیرد و فعال می‌شود که عملی را مطابق با گرایش خودش ببیند. از آنجا که هر انسانی، فطرتاً خداجو و خداپرست می‌باشد، اگر در عمل ببیند که محیط خانواده محیط عمل به دستورات خدا و پرستش و عبادت اوست، این گرایش به دین در وجودش فعال می‌شود و او را وادار به عمل کردن می‌کند در نتیجه باعث کاهش دین‌گریزی جوانان و جذب بیشتر به دین می‌شود.

۶-۷. فراهم کردن آسایش و رفاه جوان توسط والدین

یکی از وظایف مهم والدین در محیط خانواده ایجاد آسایش و رفاه برای فرزندان می‌باشد. هم در آموزه‌های دینی بر کار و تلاش و توسعه زندگی تأکید شده است و هم این رفاه و آسایش یک امنیت خاطر آرامش ذهنی را برای جوان فراهم می‌کند. به این ترتیب، جوان وقتی می‌بیند خانواده‌اش با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی و الگوهای معنوی در تلاشند تا یک محیط

آرام و همراه با آسایش و رفاه را برای او تدارک بچینند، این مسئله باعث جذب او به دین و کاهش دین‌گریزی او می‌شود. از طرفی با توجه به روایتی که از رسول خدا (ص) بیان شده است:

«كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا»^۱

نزدیک است که فقر تبدیل به کفر شود»؛

به این مضمون که اگر از دری فقر وارد شود، از در دیگر ایمان خارج می‌شود. پس می‌توان به این نتیجه دست یافت که از جمله وظایف والدین در محیط خانواده، مبارزه با فقر و ایجاد رفاه و آسایش است، چون طبق این حدیث اگر فقر و ناداری وارد محیط خانواده شد، می‌تواند باعث دین‌گریزی جوانان و عدم جذب او به دین شود؛ البته هم حکومت به عنوان سیستمی که امورات زندگی مردم را سامان می‌بخشد، باید به فکر فقر زدایی باشد و هم والدین به نوبه خود باید تنبلی را کنار بگذارند و با تلاش و کوشش در جهت ایجاد آسایش و رفاه در محیط خانواده حرکت کنند.

امام علی علیه السلام در بیان دیگری می‌فرماید:

يَا بُنَيَّ، إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ الْفَقْرَ، فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنْهُ، فَإِنَّ الْفَقْرَ مَنْقَصَةٌ لِلدِّينِ، مَدْهَشَةٌ لِلْعَقْلِ، دَاعِيَةٌ لِلْمَقْتِ؛^۲

فرزندم! من از فقر و ناداری برای تو بیمناکم. پس، از آن به خدا پناه بر؛ زیرا که فقر باعث کاستی در دین و سرگستگی خرد است و مایه کینه و دشمنی».

شهید مطهری در توضیح این حدیث می‌گوید:

فقر موجب نقصان دین است، یعنی چه؟ یعنی فقر گناه است؟ نه، فقر گناه نیست؛ اما آدمی را که ایمان قوی نداشته باشد، زود وادار به گناه می‌کند. بسیاری از گناهان است که از فقر و احتیاج ناشی می‌گردد. فقر، به سر حد کفر نزدیک است. فقر، روح را عاصی و عزیمت را ضعیف می‌کند. فقر، فکر را پریشان و دهشت زده می‌کند؛ عقل و فکر در اثر احتیاج و فقر و نبودن وسایل زندگی، تعادل خود را از دست می‌دهد. انسان دیگر نمی‌تواند خوب در قضایا فکر کند.^۳

۱ کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۰۷

۲ نهج البلاغه ترجمه فیض الاسلام حکمت ۳۱۱

۳ مطهری، بیست گفتار ص ۷۶

نتیجه‌گیری

فطرت انسان در ابتدای آفرینش بر توحید و خداپرستی بنا نهاده شده است و دین به عنوان برنامه‌ای که این فطرت را جهت‌دهی می‌کند، برای انسان تشریح شده است. اگرچه بر اساس فطرت، انسان‌ها در پی دین، مسائل دینی و آنچه آن‌ها را به جایگاه مقرر شده هستند، اما گاهی عواملی می‌تواند غبار غفلت بر فطرت خداجوی انسان بکشد و نه تنها او را از جست‌وجوی حقیقت بازدارد، بلکه گاهی انسان را نسبت به این نیاز فطری گریزان می‌کند. عواملی مانند محیط، دوستان نامناسب، فقر و غیره می‌تواند جوان را از راه هدایت دور و گریزان کنند. در این زمان که دنیای کفر با تمام قدرت خود در پی گمراهی جوانان است، خانواده‌ها باید تمام توجه خود را در جهت هدایت فرزندان خود به کار بگیرند. در این مقاله به این نتیجه رسیدیم که خانواده‌ها با نهادینه کردن دین، معرفی الگوی مناسب به فرزندان، معرفی صحیح دین، پاسخ به شبهات فرزندان، نظارت بر دوستان و الگو بودن خود والدین می‌توانند از دین‌گریزی جوانان جلوگیری کنند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه ترجمه، علی نقی فیض الاسلام اصفهانی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات فقیه، ۱۳۶۸ش.
۳. آیزنبرگ، نانسی، رفتارهای اجتماعی کودکان، مترجم بهار ملکی، تهران، ققنوس، چاپ دوم، ۱۳۸۴ش.
۴. ابراهیم زاده آملی، نبی‌الله، دین‌شناسی، تهران مرکز فناوری و پشتیبانی آموزش، چاپ ششم، ۱۳۸۳ش.
۵. ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی، تُحْفُ الْعُقُول، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۶. ابن فارس بن زکریا، ابوالحسین، مقائیس اللغه، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، بیروت دارالفکر، ۱۳۹۵ق.
۷. انصاری، علیرضا، "راهکارهای جذب جوانان به دین"، معارف اسلامی، شماره ۷۷، ۱۳۸۸ش.
۸. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غُرُّ الْحِکْمِ وَ دُرُّرُ الْکَلِمِ، قم، دارالکتاب الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۹. جوادی آملی، عبدالله، انتظار بشر از دین، قم نشر اسراء، چاپ چهارم، ۱۳۸۶ش.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام لإحياء التراث، ۱۱۰۴ق.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، دمشق: دار القلم الدار الشامیه، ۱۴۱۲ق.
۱۲. رفیع پور، فرامرز، آناتوی جامعه، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۷۸ش.
۱۳. صدوق، محمد بن علی، الخصال، قم، اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۲ش.
۱۴. طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الأنوار، نجف، مکتب الحیدریه، چاپ دوم، ۱۳۸۵ق.
۱۵. عباسی، محمد، "عوامل دین‌گریزی و گرایش جوانان به فرهنگ غرب"، مجله معرفت، شماره ۱۱۶، ۱۳۸۶ش.
۱۶. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران: امیرکبیر، چاپ نوزدهم، ۱۳۷۵ش.

۱۷. فرجاد، محمدحسین، آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات، قم، بدر، چاپ هفتم، ۱۳۷۵ش.
۱۸. فلسفی، محمدتقی، جوان از نظر عقل و احساسات، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۸۶ش.
۱۹. فیروزجائیان، علی اصغر، جان محمدی ارگانی، وحید، مینایی، حدیث، "دینداری و بی‌نظمی: تحلیل جامعه‌شناختی نقش بازدارنده دین‌داری در بی‌نظمی اجتماعی"، شماره ۲۶، سال ۱۴۰۰ش.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۲۱. گری گوری، روانشناسی نوجوانان و جوانان، مترجم مهدی تقی زاده، تهران، بی‌نام، بی‌تا.
۲۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۲۳. _____، بحارالانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۴۰۳ق.
۲۴. مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش عقاید، قم: سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷ش.
۲۵. مطهری، مرتضی، ده گفتار، تهران، صدرا، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۸۸ش.
۲۶. _____، بیست گفتار، تهران، صدرا، چاپ چهل و سوم، ۱۳۹۵ش.
۲۷. معین، محمد، فرهنگ معین، تهران: امیرکبیر، چاپ دهم، ۱۳۷۵ش.
۲۸. ناس، جان، تاریخ جامع ادیان، مترجم علی اصغر حکمت، تهران: آموزش انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۰ش.
۲۹. هیک، جان، فلسفه دین، مترجم، بهرام راد، تهران، هدی، چاپ اول، ۱۳۷۲ش.